



Consequences of the Legal Regime of the Caspian Sea on the Border Interactions between Iran and Azerbaijan

Javad kiani^{1*} | Hadi Heydari²

1- Assistant Professor, Department of Border Guarding, Faculty of Security and Border, Amin Police Sciences University, Tehran, Iran
kiani.javad2014@gmail.com

2- M.Sc. Graduate in Border Sciences and Techniques, Department of Border Guarding, Faculty of Security and Border, Amin Police Sciences University, Tehran, Iran
heydari63@gmail.com

Volume info

Vol. 19
Series: 71
Summer 2026
P.P: 155-178

Article Type

Research Paper

Article History

Received:

2025-10-28

Revised:

2025-11-20

Accepted:

2026-08-03

Published:

2026-08-31

ISSN – E-ISSN

ISSN: 2538-1857
E-ISSN: 2645-5250



Abstract

The legal regime of the Caspian Sea, with ambiguity in determining border lines and the legal framework, has a significant impact on the border interactions between Iran and Azerbaijan. The aim of this research is to identify the consequences of the legal regime of the Caspian Sea on the border interactions between Iran and Azerbaijan. The present research is applied in terms of purpose and qualitative-exploratory in terms of nature and data collection method. Data were collected through semi-structured interviews with experts in the field of border issues, the Caspian Sea, and university professors. Data analysis was conducted with the participation of some participants and using MaxQDA software to extract basic and organizing themes comprehensively and systematically. The findings obtained from the analysis of the interviews included 72 basic themes and 12 organizing themes, which were related to the consequences of the legal regime of the Caspian Sea on maritime security, exploitation of shared resources, and maritime border security between Iran and Azerbaijan. These themes made it possible to comprehensively and systematically analyze the actual and potential effects of the legal regime. The results showed that the legal regime of the Caspian Sea has extensive consequences on the border interactions between Iran and Azerbaijan and has led to operational limitations, increased security risks, reduced investment, and created complexity in regional cooperation. The findings indicate that the lack of a transparent and binding legal framework has led to the continuation of misunderstandings, reduced bilateral trust, and limitations in the sustainable development of shared resources. Therefore, formulating coherent policies and operational mechanisms, clarifying maritime regulations, and enhancing coordination among relevant institutions is essential to strengthen maritime security, optimize the exploitation of shared resources, and improve the management of maritime borders.

Keywords: Legal Regime, Caspian Sea, Security, Border Interactions, I.R. Iran and Republic of Azerbaijan.

Cite this Article: Kiyani, Javad, & Heidari, Hadi. (2026). Implications of the Caspian Sea Legal Regime for Border Relations between Iran and Azerbaijan. *Security Horizons*, 19(71), 155–155.

Dor: 20.1001.1.25381857.1405.19.71.6.3



Publisher: Imam Hossein University.

© The Author(s).



پیامدهای رژیم حقوقی دریای خزر در تعاملات مرزی ایران و آذربایجان

جواد کیانی^{۱*} | هادی حیدری^۲

kiani.javad2014@gmail.com

۱- نویسنده مسئول: استادیار، گروه مرزبانی، دانشکده امنیت و مرز، دانشگاه جامع علوم انتظامی امین، تهران، ایران

۲- دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم و فنون مرزبانی، گروه مرزبانی، دانشکده امنیت و مرز، دانشگاه جامع علوم انتظامی امین، تهران، ایران
heydari63@gmail.com

چکیده

رژیم حقوقی دریای خزر، با ابهام در تعیین خطوط مرزی و چارچوب حقوقی، تأثیر قابل توجهی بر تعاملات مرزی ایران و آذربایجان دارد. هدف از تحقیق حاضر شناسایی پیامدهای رژیم حقوقی دریای خزر در تعاملات مرزی ایران و آذربایجان است. تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی و به لحاظ ماهیت و نحوه گردآوری داده‌ها کیفی از نوع اکتشافی می‌باشد. داده‌ها از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با خبرگان حوزه مسائل مرزی، دریای خزر و اساتید دانشگاهی جمع‌آوری شد. تحلیل داده‌ها با مشارکت برخی از مشارکت‌کنندگان و استفاده از نرم‌افزار MaxQDA انجام شد تا مضامین پایه و سازمان‌دهنده به صورت جامع و سیستماتیک استخراج شود. یافته‌ها به دست آمده از تحلیل مصاحبه‌ها، ۷۲ مضمون پایه و ۱۲ مضمون سازمان‌دهنده بود که مرتبط با پیامدهای رژیم حقوقی دریای خزر بر امنیت دریانوردی، بهره‌برداری از منابع مشترک و امنیت مرزهای دریایی ایران و آذربایجان بود. این مضامین امکان تحلیل جامع و سیستماتیک اثرات بالفعل و بالقوه رژیم حقوقی را فراهم ساختند. نتایج نشان داد که رژیم حقوقی دریای خزر پیامدهای گسترده‌ای بر تعاملات مرزی ایران و آذربایجان دارد و محدودیت‌های عملیاتی، افزایش ریسک‌های امنیتی، کاهش سرمایه‌گذاری و ایجاد پیچیدگی در همکاری‌های منطقه‌ای را به دنبال داشته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که نبود چارچوب حقوقی شفاف و الزام‌آور موجب تداوم سوء تفاهم‌ها، کاهش اعتماد دو جانبه و محدودیت در توسعه پایدار منابع مشترک شده است. بنابراین، تدوین سیاست‌ها و سازوکارهای عملیاتی منسجم، شفاف‌سازی مقررات دریایی و ارتقاء هماهنگی میان دستگاه‌های ذی‌ربط برای تقویت امنیت دریانوردی، بهره‌برداری بهینه از منابع مشترک و بهبود مدیریت مرزهای دریایی ضروری است.

کلیدواژه‌ها: رژیم حقوقی، دریای خزر، امنیت، تعاملات مرزی، ج.ا.ایران و جمهوری آذربایجان.

سال و شماره

سال ۱۹، پیاپی: ۷۱

تابستان ۱۴۰۵

صص: ۱۷۸-۱۵۵

نوع مقاله

مقاله پژوهشی

سابقه مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۸/۰۶

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۸/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۵/۱۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۶/۰۹

شابا چاپی و الکترونیکی

شابا چاپی: ۱۸۵۷-۲۵۳۸

الکترونیکی: ۵۲۵۰-۲۶۴۵



استناد: کیانی، جواد و حیدری، هادی. (۱۴۰۵). پیامدهای رژیم حقوقی دریای خزر در تعاملات مرزی ایران و

آذربایجان. فصلنامه آفاق امنیت، ۱۹(۷۱)، ۱۵۵-۱۵۵.

[Dor: 20.1001.1.25381857.1405.19.71.6.3](https://doi.org/10.1001.1.25381857.1405.19.71.6.3)



ناشر: دانشگاه جام امام حسین (ع). نویسندگان.



OPEN ACCESS

مقدمه

وضعیت حقوقی دریای خزر در حقوق بین‌الملل، موضوعی چندبعدی، پیچیده و در عین حال حساس است که از جنبه‌های گوناگون سیاسی، حقوقی، اقتصادی و امنیتی قابل بررسی می‌باشد. فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و ورود سه کشور جدید قزاقستان، ترکمنستان و آذربایجان به جمع کشورهای دارای حق حاکمیت بر دریای خزر، تحولی اساسی در معادلات این پهنه آبی به وجود آورد. این تحول همراه شد با بروز ابهام در اعتبار و قابلیت اجرای موافقت‌نامه‌های ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ منعقدشده میان ایران و شوروی سابق، و همچنین تصمیم کشورهای تازه‌استقلال‌یافته برای بهره‌برداری یک‌جانبه و بعضاً ناعادلانه از منابع بستر و زیر بستر این دریا که به دلیل رونق صنعت نفت و گاز، اهمیتی حیاتی یافته بود. در کنار این تحولات، علاقه‌مندی و مداخله قدرت‌های فرامنطقه‌ای به‌ویژه کشورهای غربی در قالب سرمایه‌گذاری و حضور فعال سیاسی - اقتصادی، به پیچیدگی‌های موجود افزود و در نهایت موجب گردید که تعیین رژیم حقوقی دریای خزر به یکی از چالش‌های عمده در روابط کشورهای ساحلی و حتی عرصه بین‌المللی تبدیل شود. بدین ترتیب، عدم تعیین دقیق و نهایی رژیم حقوقی دریای خزر، به‌ویژه در دهه‌های اخیر، بستری برای بروز بحران‌های سیاسی، امنیتی و حتی نظامی در منطقه فراهم ساخته است. (Hakakzadeh & Doagoo, 2016, 162)

کشورهای امضاکننده قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ میلادی در آن زمان هرگز تصور نمی‌کردند که دریای خزر روزی به یکی از بزرگ‌ترین منابع انرژی جهان بدل شود و بدین ترتیب هیچ‌گونه تمهید و تدبیری در خصوص چگونگی تقسیم و بهره‌برداری از منابع نفت و گاز آن اندیشیده نشده بود (Ashrafi, 2017, 73). در شرایط کنونی، دریای خزر نه تنها به دلیل برخورداری از منابع عظیم هیدروکربنی بلکه به سبب موقعیت ژئوپلیتیکی ویژه خود، به یکی از مناطق کانونی و حساس جغرافیای اوراسیا تبدیل شده است. به همین علت، این حوزه آبی به شدت تحت تأثیر مناقشات و رقابت‌های ژئوپلیتیکی قرار دارد و تعیین تکلیف رژیم حقوقی آن به موضوعی فراتر از یک مسئله صرفاً حقوقی تبدیل شده است. واقعیت این است که رژیم حقوقی دریای خزر ارتباط مستقیم با موضوعاتی همچون مسیرهای خطوط لوله انرژی، نحوه تقسیم و بهره‌برداری از منابع مشترک، موازنه‌های اکولوژیک و زیست‌محیطی، امنیت کشتیرانی و حتی جایگاه کشورها در معادلات ژئوپلیتیکی منطقه‌ای و جهانی دارد. در این میان، جمهوری آذربایجان بیش از سایر کشورهای

تازه استقلال یافته شوروی سابق در کانون تعاملات و اختلافات حقوقی ایران قرار گرفته است. ایران و آذربایجان به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی و اشتراک مرز آبی در دریای خزر، بیشترین اختلاف و تنش را در زمینه رژیم حقوقی این دریا تجربه کرده‌اند. ایران در ابتدا بر اصل «مشترک و مشابه بودن» دریای خزر تأکید داشت و این دریا را میراث مشترک کشورهای ساحلی تلقی می‌کرد. اما با مخالفت دیگر کشورها، به ویژه آذربایجان و قزاقستان، با این اصل و گرایش آنان به تقسیم‌بندی بر اساس اصل خط میانه و سهم‌بندی منابع، ایران ناگزیر شد مواضع خود را تغییر داده و بر تقسیم برابر دریای خزر تأکید ورزد. این اختلاف دیدگاه‌ها، منجر به بروز چالش‌هایی عمیق در روابط مرزی ایران و آذربایجان شد و همچنان یکی از مسائل مناقشه‌برانگیز میان دو کشور به شمار می‌رود (Mojtahedzadeh, 2002, 224-225).

بنابراین، تعاملات مرزی ایران و آذربایجان در دریای خزر، ابعاد پیچیده و چندگانه‌ای دارد که طیفی گسترده از مسائل امنیتی، دفاعی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی و زیست‌محیطی را دربر می‌گیرد. از یک سو، چالش‌ها و اختلافات موجود می‌تواند تهدیدی جدی برای ثبات و همکاری‌های منطقه‌ای باشد، و از سوی دیگر، ظرفیت‌های بالقوه‌ای برای همکاری در حوزه‌هایی نظیر بهره‌برداری مشترک از منابع نفت و گاز، توسعه کشتیرانی، و حفاظت زیست‌محیطی وجود دارد که می‌تواند زمینه‌ساز ارتقای روابط دوجانبه و بهبود وضعیت کلی منطقه شود. حل مسائل حقوقی و مدیریتی دریای خزر به‌ویژه میان ایران و آذربایجان، افزون بر تأمین منافع ملی، می‌تواند به ایجاد ثبات پایدار، توسعه امنیت مرزی و کاهش تنش‌های ژئوپلیتیکی کمک نماید.

بر این اساس و با توجه به اهمیت جایگاه دریای خزر و اثرات رژیم حقوقی آن بر روابط منطقه‌ای، به‌ویژه در تعاملات مرزی ایران و جمهوری آذربایجان، پژوهش حاضر در پی پاسخ به این پرسش اساسی است که: پیامدهای رژیم حقوقی دریای خزر در تعاملات مرزی ایران و آذربایجان کدام‌اند؟

ادبیات نظری

مرز و تعاملات مرزی: مرز یکی از بنیادی‌ترین عناصر تشکیل‌دهنده دولت‌های ملی است که نه تنها جنبه جغرافیایی دارد، بلکه از منظر سیاسی، حقوقی، اجتماعی و امنیتی نیز واجد اهمیت

فراوان است. در تعریف ساده، مرز را می‌توان «خطی فرضی یا واقعی دانست که محدوده قلمرو یک کشور را از کشور دیگر جدا می‌سازد (Glasner & Farrer, 2004, 15). مرزها، در عین حال که جدایی فیزیکی ایجاد می‌کنند، بستر تعاملات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نیز محسوب می‌شوند و نقش دوگانه‌ای در روابط بین‌الملل دارند: هم می‌توانند عامل جدایی و تعارض باشند و هم عامل اتصال و همکاری. از منظر تاریخی، شکل‌گیری مرزها را باید پیامد مستقیم تحول دولت-ملت مدرن در قرون شانزدهم و هفدهم دانست، به‌ویژه پس از معاهده وستفالی (۱۶۴۸) که اصل حاکمیت و تمامیت ارضی کشورها به رسمیت شناخته شد. از آن زمان، مرزها تبدیل به نماد اقتدار و مشروعیت دولت‌ها در عرصه بین‌المللی گردیدند (Prescott, 2015, 28). در علوم سیاسی، مرز نه صرفاً یک خط فیزیکی بلکه نهادی اجتماعی-سیاسی است که کارکردهای متنوعی دارد. فان هوتوم^۱ (۲۰۰۵) مرز را «ابزاری برای سازمان‌دهی فضا، کنترل حرکت افراد و کالا و تعریف هویت جمعی» معرفی می‌کند. بدین ترتیب، مرزها سازوکارهایی برای تمایز «خودی» از «دیگری» بوده و بر احساس تعلق ملی و هویت سیاسی تأثیر مستقیم دارند. از منظر جغرافیای سیاسی نیز مرزها بخشی از پیکره «ژئوپولیتیک کلاسیک» محسوب می‌شوند. راتزل^۲ (۱۹۹۰)، بنیان‌گذار جغرافیای سیاسی مدرن، مرز را «اندام پویا و زنده دولت» می‌دانست که دائماً در معرض تغییر و جابه‌جایی است. این دیدگاه بعدها توسط هارتشورن^۳ تکمیل شد و او مرز را «ابزاری برای تثبیت وحدت سیاسی و جلوگیری از نفوذ بیگانه» قلمداد کرد. در حقوق بین‌الملل، مرزها نقش تعیین‌کننده‌ای در تعیین صلاحیت سرزمینی و اعمال حاکمیت دولت‌ها دارند. مرزها در این چارچوب نه تنها خطوطی سیاسی بلکه خطوطی حقوقی‌اند که حدود اختیارات یک کشور در بهره‌برداری از منابع طبیعی، کنترل تردد، و اعمال حاکمیت بر اتباع و بیگانگان را مشخص می‌کنند. ماهیت تعاملات مرزی به عوامل متعددی بستگی دارد. نخست، جغرافیا نقش اساسی در نوع تعاملات ایفا می‌کند. مرزهای طبیعی همچون کوه‌ها و رودخانه‌ها اغلب مانع ارتباط مستقیم می‌شوند، در حالی که مرزهای دشت و بیابان زمینه تعاملات گسترده‌تری را فراهم می‌سازند. دوم، ساختار سیاسی و امنیتی دولت‌ها بر شکل روابط مرزی تأثیر می‌گذارد؛ دولت‌های دارای رویکرد

1 . van Houtum

2 .Ratzel

3 .Hartshorne

همگرایانه، مرز را به فرصت تعامل اقتصادی و فرهنگی تبدیل می‌کنند، اما دولت‌های مبتنی بر سیاست‌های انزواگرایانه مرز را بیشتر به عنوان ابزار کنترل و جداسازی تلقی می‌نمایند (Newman, 2006, 147). عامل سوم، پیوندهای قومی و فرهنگی در مناطق مرزی است. در بسیاری از نقاط جهان، گروه‌های قومی و زبانی در دو سوی مرز زندگی می‌کنند و همین امر باعث می‌شود که مرزها نه تنها خط جدایی، بلکه بستری برای تداوم روابط اجتماعی و فرهنگی باشند. چنین پیوندهایی می‌توانند هم فرصت‌ساز باشند و هم چالش‌آفرین؛ به این معنا که از یک سو موجب تقویت روابط دوستانه میان دولت‌ها می‌شوند و از سوی دیگر در صورت سوءاستفاده بازیگران خارجی، می‌توانند منشأ تنش و ناامنی گردند.

رژیم حقوقی دریای خزر: دریای خزر، بزرگ‌ترین دریاچه جهان، به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی و منابع غنی انرژی، همواره مورد توجه کشورهای ساحلی بوده است. پیش از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، رژیم حقوقی خزر عمدتاً بر اساس توافقی‌های دوجانبه میان ایران و شوروی تنظیم شده بود. قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰، سهم ایران از آب‌ها و منابع خزر را محدود کرده و دسترسی ایران به فعالیت‌های اقتصادی، نظامی و تجاری در خزر را تحت تأثیر قرار می‌داد. با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ و استقلال کشورهای تازه تأسیس مانند آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان، این دریاچه به فضایی برای رقابت و همکاری میان پنج کشور ساحلی تبدیل شد و ضرورت ایجاد یک چارچوب حقوقی جامع و چندجانبه آشکار گردید (Seyfi, 2022, 8). رژیم حقوقی دریای خزر به طور کلی هدفش تعیین محدوده‌های حاکمیتی، دسترسی به منابع طبیعی و ایجاد چارچوبی برای همکاری میان کشورهای ساحلی است. یکی از مهم‌ترین ابعاد این رژیم، تقسیم‌بندی منابع انرژی و مدیریت میادین نفتی و گازی است. توافقات پیشین بیشتر جنبه دوجانبه داشت و با محدودیت‌های قانونی همراه بود، اما پس از استقلال کشورهای جدید ساحلی، تدوین کنوانسیون‌های چندجانبه ضرورت یافت تا زمینه بهره‌برداری پایدار از منابع انرژی، امنیت سرمایه‌گذاری و هماهنگی در پروژه‌های مشترک فراهم شود. این چارچوب‌ها همچنین از بروز مناقشات و رقابت‌های غیرقانونی میان کشورهای ساحلی جلوگیری می‌کنند و پایه‌ای برای توسعه اقتصادی و همکاری‌های منطقه‌ای به‌شمار می‌روند (Bozorg Doagoo, 2024, 53). در خصوص تعیین رژیم حقوقی دریای خزر نشست‌های مختلفی از طرف کشورهای ساحلی صورت

گرفته که از بین آنها، پنجمین اجلاس سران کشورهای ساحلی در آکئانو قزاقستان در مرداد ۱۳۹۷ مهمترین می‌باشد. این اجلاس با تأکید بر اصل «آب‌های ملی» و «منطقه صیادی انحصاری» برای هر کشور ساحلی، ضمن حل و فصل برخی اختلافات قبلی، مبنا و چارچوب حقوقی جدیدی برای تعیین حدود و بهره‌برداری از منابع ایجاد کرد. با این حال، دیدگاه کشورها درباره سهم از مالکیت و تقسیم‌بندی بستر و زیربستر دریا، به ویژه میان ایران و آذربایجان، با تفاوت‌هایی روبرو بوده است؛ به طوری که آذربایجان بر تقسیم‌بندی بر اساس خط منصف تأکید دارد، در حالی که ایران بر اساس معیارهای عادلانه و توافقی، خواهان سهمی متناسب با سواحل خود است. این تفاوت‌نظرات، همچنان به عنوان عاملی مؤثر در تعاملات مرزی دو کشور باقی مانده است. (Seyfi, 2022, 9). در مجموع، رژیم حقوقی دریای خزر، علاوه بر تعیین مرزهای قانونی و حاکمیتی، بستری برای هماهنگی‌های اقتصادی و سیاسی میان کشورهای ساحلی فراهم آورده است. به این ترتیب، می‌توان گفت که رژیم حقوقی دریای خزر، علاوه بر جنبه‌های حقوقی و اقتصادی، نقش کلیدی در ثبات سیاسی و همکاری‌های منطقه‌ای دارد و بدون وجود آن، تعاملات میان کشورهای ساحلی می‌توانست با بحران‌های مکرر و رقابت‌های شدید مواجه شود. اهمیت این چارچوب حقوقی در معادلات ایران و کشورهای همسایه، به ویژه آذربایجان، کاملاً مشهود است و پایه‌ای برای مدیریت تنش‌ها و بهره‌برداری متوازن از منابع خزر فراهم می‌آورد.

نقش رژیم حقوقی دریای خزر در تعاملات ایران و آذربایجان: رژیم حقوقی

دریای خزر به عنوان یک چارچوب قانونی و سیاسی، نقش بسیار مهمی در شکل‌دهی تعاملات ایران و آذربایجان دارد. این تعاملات نه تنها شامل جنبه‌های اقتصادی و تجاری می‌شود، بلکه ابعاد امنیتی و ژئوپلیتیکی نیز در آن دخیل است. با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و استقلال آذربایجان، دریای خزر دیگر محدود به دو کشور ایران و شوروی سابق نبود، بلکه به بستری برای رقابت و همکاری میان پنج کشور ساحلی تبدیل شد. این تحول، ضرورت تدوین یک رژیم حقوقی مشخص و جامع را برای تنظیم دسترسی‌ها، بهره‌برداری از منابع طبیعی و تضمین منافع ملی و منطقه‌ای آشکار کرد (Bozorg Doagoo, 2024, 50). از منظر اقتصادی، رژیم حقوقی خزر ابزار مهمی برای ایران و آذربایجان جهت بهره‌برداری از منابع نفت و گاز به شمار می‌رود. کنوانسیون‌های پیشین، با وجود محدودیت‌هایی، پایه‌ای برای مشارکت و سرمایه‌گذاری مشترک

ایجاد کرده‌اند. ایران و آذربایجان با استفاده از این چارچوب حقوقی، امکان توسعه پروژه‌های انرژی مشترک، مدیریت میادین نفتی مرزی و برنامه‌ریزی برای صادرات منابع انرژی را پیدا کرده‌اند. به علاوه، این رژیم، راه را برای سرمایه‌گذاری شرکت‌های چندملیتی باز می‌کند و در عین حال، خطر برخوردهای غیرقانونی یا رقابت‌های ناعادلانه را کاهش می‌دهد (Seyfi, 2022, 10). از لحاظ امنیتی، رژیم حقوقی دریای خزر موجب ایجاد ثبات و کاهش تنش‌های مرزی میان ایران و آذربایجان شده است. با توجه به موقعیت استراتژیک خزر، کنترل مسیرهای آبی و امنیت خطوط ساحلی اهمیت زیادی دارد. توافقات چندجانبه حقوقی، به هر دو کشور امکان می‌دهد تا عملیات‌های دریایی و نظارت بر تردد کشتی‌ها و تجهیزات نفتی را هماهنگ کنند. این امر، نه تنها مانع از سوء تفاهم‌ها و تنش‌های نظامی می‌شود، بلکه پایه‌ای برای همکاری‌های امنیتی و اطلاعاتی در منطقه فراهم می‌آورد. به‌ویژه با توجه به حضور بازیگران فرامنطقه‌ای و کنسرسیوم‌های انرژی، رعایت مقررات این رژیم از سوی هر دو کشور اهمیت استراتژیک دارد (Bozorg Doagoo, 2024, 55). از منظر سیاسی، رژیم حقوقی خزر به ایران و آذربایجان ابزار دیپلماتیک و مذاکراتی می‌دهد. مسائل حقوقی خزر، به‌ویژه تقسیم منابع و محدوده‌های حاکمیتی، می‌تواند نقطه تمرکز گفتگوها و همکاری‌ها باشد. ایران با استفاده از این رژیم، می‌تواند منافع ملی خود را حفظ کرده و در عین حال، روابط با آذربایجان را بر اساس اصول همکاری و احترام متقابل مدیریت کند. آذربایجان نیز با بهره‌گیری از این چارچوب، امکان افزایش سهم خود در منابع انرژی و توسعه اقتصادی را پیدا می‌کند. به این ترتیب، رژیم حقوقی دریای خزر به‌نوعی واسطه‌ای برای کاهش اختلافات تاریخی و پیشگیری از بروز بحران‌های دیپلماتیک شده است. در مجموع، رژیم حقوقی دریای خزر، علاوه بر ایجاد چارچوب حقوقی، اقتصادی و امنیتی، نقش سازنده‌ای در تحکیم تعاملات ایران و آذربایجان ایفا می‌کند. این رژیم، بستری برای همکاری‌های مشترک انرژی، هماهنگی‌های امنیتی و پیشگیری از تنش‌های سیاسی فراهم کرده است. بدون وجود چنین چارچوبی، تعاملات دو کشور می‌توانست با مشکلات جدی و بحران‌های مکرر مواجه شود. بنابراین، اهمیت این رژیم نه تنها در چارچوب حقوق بین‌الملل بلکه در سیاست‌گذاری و روابط منطقه‌ای ایران و آذربایجان کاملاً مشهود است.

با وجود اهمیت ژئوپلیتیک و اقتصادی دریای خزر و افزایش تعاملات مرزی بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان، پژوهش‌های جامع درباره پیامدهای رژیم حقوقی دریای خزر بر امنیت دریانوردی، بهره‌برداری از منابع مشترک و مدیریت مرزهای دریایی هنوز محدود و پراکنده است. بیشتر مطالعات موجود به بررسی کلی اصول رژیم حقوقی دریای خزر و توافقات بین‌المللی پرداخته‌اند، اما پژوهش‌های کاربردی که تأثیر دقیق این رژیم بر تعاملات مرزی و امنیت دو کشور را مشخص کنند، اندک است. از این رو، نیاز به مطالعات عمیق‌تر احساس می‌شود تا بتوان پیامدهای حقوقی و عملی رژیم حقوقی دریای خزر را در روابط مرزی تحلیل کرد. مطالعات تجربی نشان داده‌اند که تعیین محدوده‌های انحصاری و بخش‌های مشترک دریای خزر هم فرصت‌ها و هم چالش‌هایی ایجاد می‌کند. برای مثال، مشخص شدن خطوط مرزی دریایی می‌تواند به بهبود امنیت دریانوردی و کاهش اختلافات منجر شود، اما عدم توافق کامل بر تقسیم منابع ممکن است تنش‌ها و تضاد منافع را افزایش دهد. همچنین، ایجاد سازوکارهای قانونی و نهادی برای هماهنگی و نظارت بر فعالیت‌ها، کلید بهره‌برداری مؤثر از منابع و حفظ امنیت مرزی است. کرمزادی (۱۴۰۳) و عباسی و موسوی (۱۴۰۳) بر چالش‌های همگرایی و واگرایی در روابط ایران و آذربایجان تأکید کرده و محدودیت‌های رژیم حقوقی خزر و مسائل امنیتی مرتبط با بحران قره‌باغ را برجسته کرده‌اند. تحقیقات خارجی نیز نشان می‌دهند که عوامل ژئوپلیتیک، رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و تحولات داخلی و بین‌المللی تأثیر قابل توجهی بر اجرای رژیم حقوقی دریای خزر دارند. الکساندر^۱ (۲۰۲۴) و آروین^۲ (۲۰۲۰) به بررسی پیامدهای تنش‌های منطقه‌ای و استراتژیک برای روابط ایران و آذربایجان پرداخته‌اند و نشان داده‌اند که اختلافات مرزی و امنیتی می‌تواند بر سیاست‌های بلندمدت دو کشور اثرگذار باشد. عباسف^۳ (۲۰۱۸) نیز بر اهمیت تاریخ، فرهنگ و هویت قومی در شکل‌دهی به تعاملات مرزی تأکید کرده‌اند و نشان داده‌اند که پیشینه تاریخی و اجتماعی روابط دو کشور بر امنیت بهره‌برداری از منابع و مدیریت مرزهای دریایی اثرگذار است. بر اساس این مطالعات و نظریه‌ها، می‌توان فرض کرد که رژیم حقوقی دریای خزر نقش تعیین‌کننده‌ای در امنیت دریانوردی، بهره‌برداری از منابع مشترک و

1. Alexander

2. Arvin

3. Ali Abbasf

مدیریت مرزهای دریایی ایران و آذربایجان دارد. تعامل دولت‌ها، میزان همکاری و توانمندی سازوکارهای مشترک، عامل کلیدی در تحقق اهداف امنیتی و اقتصادی این رژیم است. پژوهش حاضر با تمرکز بر سه حوزه اصلی: امنیت دریانوردی، امنیت بهره‌برداری از منابع مشترک و امنیت مرزهای دریایی، درصدد است خلأ موجود در مطالعات علمی را پر کرده و با بهره‌گیری از نظریه‌های حقوق بین‌الملل دریایی و رژیم‌های بین‌المللی، تحلیل دقیقی از پیامدهای عملی رژیم حقوقی دریای خزر ارائه دهد. این چارچوب نظری زمینه مناسبی برای تحلیل تجربی و بومی‌سازی عملکرد رژیم حقوقی دریای خزر فراهم می‌آورد و بر اساس آن، اهداف کلی و جزئی تحقیق شکل گرفته است: بررسی تأثیرات رژیم حقوقی دریای خزر بر امنیت دریانوردی، بهره‌برداری از منابع مشترک و مدیریت مرزهای دریایی ایران و آذربایجان.

پیشینه پژوهش

در رابطه با موضوع رژیم حقوقی دریای خزر تحقیقاتی به صورت پراکنده انجام شده ولی در خصوص پیامدهای این موضوع بر تعاملات مرزی ایران و آذربایجان تحقیق یا پژوهش مستقلی انجام نشده است. در ادامه مطالعاتی که به لحاظ ادبیات نظری و محدوده مورد مطالعه دارای افتراقات و اشتراکات با مقاله حاضر است، ارائه شده است.

جدول ۱. پیشینه پژوهش

ردیف	نویسنده / نویسندگان (سال پژوهش)	عنوان پژوهش	مهم‌ترین یافته‌ها و نتایج مرتبط با پژوهش
۱	کرمزادی (۱۴۰۳)	تبیین زمینه‌های همگرایی و واگرایی در روابط ایران و جمهوری آذربایجان و چالش‌های آن	چالش‌های همگرایی روابط ایران و آذربایجان در سه سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی بوده که در سطح ملی شامل بی‌اعتقادی در روابط دو جانبه و بحران قره‌باغ است که ایران با اکثریت شیعه در آذربایجان تا حد زیادی بی‌طرف باقی ماند و تلاش‌های میانجیگری انجام داد. این اقدامات منجر به دو مرحله آتش‌بس موقت از ژانویه ۱۹۹۲ شد. این سیاست میانجیگری، گروه‌هایی از مردم آذربایجان را نگران کرد و محورهای منطقه‌ای متضاد شکل گرفت.
۲	عباسی و موسوی	روابط آذربایجان	یافته‌ها نشان داد که روابط تهران و باکو پس از استقلال

جدول ۱. پیشینه پژوهش

ردیف	نویسنده / نویسندگان (سال پژوهش)	عنوان پژوهش	مهم‌ترین یافته‌ها و نتایج مرتبط با پژوهش
	(۱۴۰۳)	و ایران: بسترهای همگرایی و زمینه‌های واگرایی	آذربایجان فراز و نشیب‌های زیادی داشته است. ظرفیت‌هایی مانند پیوندهای تاریخی، فرهنگی و امکان همکاری اقتصادی محرکی برای توسعه روابط بوده است. اما اختلافات پیرامون رژیم حقوقی دریای خزر و روابط با اسرائیل و آمریکا محدودیت‌هایی ایجاد کرده است. این مسائل موجب شده تا تعاملات اقتصادی و سیاسی میان دو کشور پیچیده و محدود باشد.
۳	کوزه‌گر و کالنجی (۱۴۰۳)	دلایل و ریشه‌های افزایش تنش در روابط ایران و آذربایجان	اختلاف نظر در مسئله رژیم حقوقی دریای خزر، بحران قره‌باغ و تنش‌های میان آذربایجان و ارمنستان از مهم‌ترین عوامل تشدید روابط بوده است. همچنین عضویت و همکاری آذربایجان با نهادهای یورو-آتلانتیکی و اسرائیل مانع گسترش روابط عمیق شده است. تحولات بهار عربی نیز بر روابط ایران و آذربایجان تأثیرگذار بوده است.
۴	خدادوستی (۱۴۰۲)	تحلیل و ارزیابی رژیم حقوقی دریای خزر	به تحلیل اجلاس پنجم و ششم رژیم حقوقی دریای خزر پرداخته و معتقد است مسئله مهم، تعیین خط مبدا است که کنوانسیون آن را به آینده موکول کرده است. در این کنوانسیون، اصول مهمی همچون: «ممنوعیت حضور نیروهای مسلح بیگانه»، «انحصار هرگونه دریانوردی صرفاً با پرچم پنج کشور ساحلی»، «ممنوعیت در اختیار قراردادن قلمرو کشورهای ساحلی به بیگانگان جهت اقدام و تجاوز علیه کشور دیگر ساحلی»، قید شده است.
۵	تیزتک و احمدی (۱۴۰۱)	ایران و روسیه در دریای خزر: رژیم حقوقی و همکاری‌ها	سیاست‌های ایران و روسیه در قبال رژیم حقوقی دریای خزر - فارغ از ذهنیت‌های منفی تاریخی گذشته بین دو کشور - به دلایلی همچون پیوستگی جغرافیایی، الزامات منطقه‌ای، سرنوشت مشترک و آسیب‌پذیری دریای خزر ناشی از حضور قدرت‌های بزرگ و نگرانی از بروز بی‌ثباتی و ناامنی در دریای خزر، بیشتر هم‌گرا بوده و به

جدول ۱. پیشینه پژوهش

ردیف	نویسنده / نویسندگان (سال پژوهش)	عنوان پژوهش	مهم‌ترین یافته‌ها و نتایج مرتبط با پژوهش
			تقویت همکاری‌ها و انعقاد اسناد مختلف همکاری پنج جانبه میان کشورهای ساحلی منجر شده است.
۶	یثو (۲۰۲۴)	آذربایجان و ایران در سایه قره‌باغ و اوکراین	یافته‌ها نشان داده است که ایران و آذربایجان اخیراً شاهد افزایش تنش‌ها بر سر دیدگاه‌های استراتژیک رقابتی بوده‌اند. رخدادهایی مانند حمله به سفارت آذربایجان در تهران و رزمایش نظامی ایران در نزدیکی مرز تنش‌ها را تشدید کرده است. این مقاله دلایل تشدید روابط، از جمله موقعیت جدید قدرتی آذربایجان و پیامدهای آن برای ایران را بررسی کرده است. همچنین تأثیرات گسترده‌تر منطقه‌ای، از جمله پژواک جنگ اوکراین بر روابط دو کشور تحلیل شده است.
۷	آروین (۲۰۲۰)	بررسی چالش‌ها و موانع همگرایی ایران و جمهوری آذربایجان	به تأثیر درگیری بین ارمنستان و آذربایجان بر سر قره‌باغ بر سیاست خارجی ایران پرداخته است. ایران تلاش کرده بی‌طرف باقی بماند، در حالی که دیگر رژیم‌ها طرف درگیری را گرفته‌اند. این درگیری پیامدهای جدی برای منطقه دارد و ایران به دلیل مرز مشترک نقش بازیگری کلیدی ایفا می‌کند. همچنین، وقوع برخی موشک‌باران‌ها و تنش‌های مرزی، موقعیت ایران را در منطقه حساس کرده است.
۸	علی عباسف (۲۰۱۸)	آذربایجان و ایران: تضادها و چشم‌اندازهای توسعه روابط	روابط دو کشور باید در بستر تاریخ و دوران مدرن بررسی شود. آذربایجان پیش از فتح قفقاز توسط روسیه، به صورت مستقیم یا غیرمستقیم به ایران وابسته بود. پس از فروپاشی امپراتوری روسیه و جنگ جهانی اول، ایران درخواست الحاق منطقه را ارائه کرد. تشکیل حزب اسلامی حامی ایران در آذربایجان پس از استقلال نشان‌دهنده همدردی بخشی از جمعیت با ایران بوده است.

رژیم حقوقی دریای خزر و ابهامات پیرامون آن، عاملی محوری در شکل‌گیری فراز و نشیب‌ها و چالش‌ها در روابط ایران و جمهوری آذربایجان بوده است. پیش از کنوانسیون ۲۰۱۸، اختلاف

نظر بر سر سهم از مالکیت منبع اصلی واگرایی و تشدید تنش‌ها محسوب می‌شد. پس از کنوانسیون نیز، با وجود تعیین اصول مهمی چون ممنوعیت حضور نیروهای نظامی بیگانه و انحصار ناوبری برای کشورهای ساحلی، مسئله تعیین خط مبدأ همچنان یک ابهام کلیدی باقی مانده که می‌تواند بر نحوه تعاملات و نظارت در مناطق مرزی دریایی تأثیرگذار باشد. به طور خلاصه، پیشینه‌ها به کرات به رژیم حقوقی خزر به عنوان عاملی برای تنش و گاه همکاری در روابط دوجانبه اشاره کرده‌اند، و زمینه‌ای برای بررسی چگونگی بازتاب این مسائل حقوقی در تعاملات مرزی (اعم از نظامی، اقتصادی و امنیتی) فراهم می‌آورند. در حالی که پیشینه‌ها به کلیت اختلافات رژیم حقوقی دریای خزر به عنوان یکی از عوامل تنش‌زا اشاره کرده‌اند، نوآوری تحقیق حاضر می‌تواند در تبیین مشخص و تفصیلی «پیامدها» و «انواع تعاملات مرزی» باشد که مستقیماً تحت تأثیر یا به دلیل ابهامات و توافقات (یا عدم توافقات) رژیم حقوقی دریای خزر شکل گرفته‌اند.

روش‌شناسی پژوهش

تحقیق حاضر از لحاظ هدف کاربردی و از حیث روش به صورت کیفی می‌باشد که با به‌کارگیری روش مصاحبه نیمه‌ساختار یافته و از طریق دیدگاه‌های مشارکت‌کنندگان به شناسایی پیامدهای رژیم حقوقی دریای خزر در تعاملات مرزی ایران و آذربایجان پرداخته است. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل خبرگان و متخصصانی است که با موضوع دریای خزر و تعاملات مرزی ایران و جمهوری آذربایجان مرتبط بوده و قابلیت ارائه دیدگاه‌های عمیق و مستند در مصاحبه‌ها را داشتند. این جامعه آماری شامل سه گروه اصلی است: فرماندهی مرزبانی، فرماندهان نیروی دریایی و کارشناسان عملیاتی و اساتید دانشگاه حوزه حقوق بین‌الملل و سیاست‌های دریایی. علاوه بر این، نمایندگان شورای تأمین و سایر مسئولان امنیتی محلی که در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌های مرتبط با مرزهای دریایی مشارکت دارند، نیز به عنوان مشارکت‌کنندگان انتخاب شدند. حجم نمونه پژوهش شامل ۲۰ نفر بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند تا از طریق دیدگاه‌های آنان، پیامدهای رژیم حقوقی دریای خزر در تعاملات مرزی ایران و آذربایجان به طور جامع و کاربردی شناسایی شود. روند گردآوری داده‌ها مبتنی بر اصل اشباع نظری انجام شد. در این راستا، اشباع نظری عملاً در مصاحبه با چهاردهمین نفر حاصل شد،

لیکن برای اطمینان از جامعیت داده‌ها و افزایش اعتبار نتایج تا بیستمین نفر مصاحبه‌ها ادامه یافت. در پژوهش حاضر به دلیل ماهیت کیفی و کاربردی موضوع، روش اصلی گردآوری داده‌ها، مصاحبه نیمه‌ساختار یافته انتخاب شده است. به‌منظور اطمینان از روایی ابزار جمع‌آوری داده‌ها و افزایش اعتبار یافته‌ها، از نظرات جمعی از اساتید متخصص و صاحب‌نظران آشنا با حوزه پژوهش بهره گرفته شد. همچنین، تحلیل و تفسیر داده‌ها با مشارکت برخی از افراد نمونه (مشارکت‌کنندگان پژوهش) انجام پذیرفت تا از درک درست مفاهیم استخراج‌شده اطمینان حاصل شود. این اقدام در راستای تقویت اعتبار درونی پژوهش و کاهش سوگیری‌های احتمالی در تحلیل داده‌های کیفی صورت گرفت. برای سنجش پایایی ابزار و اطمینان از ثبات کدگذاری‌ها، از ضریب کاپای کوهن به‌عنوان شاخصی برای اندازه‌گیری میزان توافق بین دو کدگذار استفاده شد. نتایج حاصل نشان داد که میزان توافق بین دو کدگذار برابر با ۹۳ درصد بوده است که این مقدار، بیانگر سطح بالایی از پایایی و قابلیت اعتماد ابزار تحلیل در این پژوهش می‌باشد. جهت افزایش دقت و انسجام تحلیل، از نرم‌افزار MaxQDA برای کدگذاری و مدیریت داده‌های کیفی استفاده گردید.

یافته‌های پژوهش

توصیف جمعیت مورد مطالعه: مشارکت‌کنندگان پژوهش شامل ۲۰ نفر با تنوع جمعیت - شناختی مناسب بودند؛ ۱۶ مرد و ۴ زن که زنان متخصص در حوزه‌های حقوق بین‌الملل و روابط بین‌الملل سهم قابل توجهی داشتند. تمامی افراد بیش از ۱۵ سال سابقه کاری مرتبط با مرزبانی، امنیت دریایی و روابط بین‌الملل داشتند و برخی تا ۲۸ سال تجربه داشتند، که نشان‌دهنده تکیه پژوهش بر دانش و تجربه ارزشمند خبرگان بود. از نظر تحصیلات، ترکیبی از کارشناسی ارشد و دکتری با تمرکز بر دکتری مشاهده شد و رشته‌های متنوعی از علوم مرزی و استراتژیک تا حقوق بین‌الملل و روابط بین‌الملل در میان مشارکت‌کنندگان حضور داشت. همچنین جایگاه‌های متنوع شامل فرماندهان و جانشینان پایگاه‌های دریابانی، معاونان ستادی مرزبانی، افسران نیروی دریایی، مشاوران حقوقی و اساتید دانشگاه، امکان پوشش ابعاد عملیاتی و نظری موضوع را فراهم کرد. این ترکیب هدفمند و متنوع، اعتبار و غنای داده‌های کیفی پژوهش را تضمین کرده است.

یافته‌های تحلیلی: در این پژوهش، داده‌های اصلی از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختار یافته با خبرگان و متخصصان حوزه مرزبانی، دریایی و دانشگاهی گردآوری گردید. به‌منظور دستیابی به

الگوها و مفاهیم پنهان در داده‌ها، از روش تحلیل مضمون استفاده شد. در این فرآیند، پس از پیاده‌سازی کامل مصاحبه‌ها، متن گفت‌وگوها چندین بار مرور گردید تا امکان شناسایی معانی آشکار و نهفته در بیانات مشارکت‌کنندگان فراهم شود. سپس در مرحله کدگذاری اولیه، مفاهیم کلیدی از دل جملات و عبارات استخراج و به‌صورت کدهای مفهومی ثبت گردید. در گام بعدی، این کدها بر اساس شباهت‌ها و پیوستگی‌های مفهومی در قالب مضامین پایه دسته‌بندی شدند. با تجمع مضامین پایه و برقراری ارتباط میان آن‌ها، مضامین سازمان‌دهنده شکل گرفتند که ساختار تحلیلی پژوهش را سامان دادند. در نهایت، از تلفیق و همگرایی این مضامین، مضامین فراگیر متناسب با اهداف و پرسش‌های تحقیق استخراج شد که چارچوب اصلی یافته‌های پژوهش را تشکیل می‌دهند. این مسیر تحلیلی نه تنها امکان کشف ابعاد آشکار و مستقیم موضوع را فراهم ساخت، بلکه لایه‌های عمیق‌تر و معانی ضمنی موجود در دیدگاه‌های خبرگان را نیز آشکار نمود. بنابراین یافته‌های ارائه‌شده در ادامه، نتیجه یک فرآیند نظام‌مند و چندمرحله‌ای تحلیل کیفی هستند که اعتبار و استحکام آن از طریق مقایسه، بازبینی مکرر و تطبیق داده‌ها با نظر خبرگان تضمین شده است.

شناسایی پیامدهای رژیم حقوقی دریای خزر بر امنیت دریانوردی بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان: هدف فرعی نخست این پژوهش، شناسایی پیامدهای ناشی از رژیم حقوقی دریای خزر بر امنیت دریانوردی بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان بود. به‌منظور دستیابی به این هدف، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با طیف متنوعی از مشارکت‌کنندگان شامل فرماندهان مرزبانی و دریابانی، افسران نیروی دریایی ارتش، کارشناسان وزارت امور خارجه، متخصصان حقوق بین‌الملل دریاهای، و اساتید دانشگاهی در حوزه روابط بین‌الملل و امنیت منطقه‌ای انجام گرفت. تحلیل داده‌ها با بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون دو سطحی در نرم‌افزار MaxQDA صورت پذیرفت و پس از چندین مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی، مجموعه‌ای از مضامین پایه استخراج گردید. در گام نخست، ۲۸ مضمون پایه شناسایی شد؛ اما در فرآیند پالایش و بازبینی، به‌منظور حفظ انسجام، جلوگیری از پراکندگی داده‌ها و ارتقاء قدرت تبیین تحلیلی، تعداد چهار مضمون پایه حذف و در نهایت ۲۴ مضمون پایه نهایی باقی ماند. این مضامین در چهار دسته اصلی یعنی پیامدهای اقتصادی، سیاسی، حقوقی و امنیتی سازمان‌دهی شدند و برای رعایت توازن تحلیلی، هر دسته شامل ۶ مضمون پایه گردید. نکته حائز اهمیت در این دسته‌بندی آن است که مضامین پایه نه تنها پیامدهای بالفعل (اثرات عینی و جاری رژیم حقوقی خزر

بر امنیت دریانوردی)، بلکه پیامدهای بالقوه (سناریوهای محتمل در آینده که می‌تواند امنیت دریایی ایران و آذربایجان را تحت تأثیر قرار دهد) را نیز پوشش می‌دهند. این دو بعد در علوم سیاسی و روابط بین‌الملل اهمیت ویژه‌ای دارند، زیرا تحلیل صرفاً بر وضعیت موجود نمی‌تواند پاسخگوی پویایی‌های امنیت منطقه‌ای باشد. نتایج و خروجی نرم افزار در شکل شماره ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: پیامدهای رژیم حقوقی دریای خزر بر امنیت دریانوردی

مضمون فراگیر	مضمون سازمان‌دهنده	مضامین پایه
پیامدهای رژیم حقوقی دریای خزر بر امنیت دریانوردی	پیامدهای اقتصادی	نامنی دریانوردی موجب کاهش سرمایه‌گذاری در کشتیرانی مشترک شده است.
		محدودیت در کشتیرانی آزادانه فرصت‌های تجاری را کاهش داده است.
		افزایش هزینه بیمه‌ها در مناطق مورد اختلاف توانسته تعاملات اقتصادی را تحت تأثیر قرار دهد.
		ادامه وضعیت موجود می‌تواند سرمایه‌گذاری‌های جدید در حمل‌ونقل دریایی را کاهش دهد.
		محدودیت‌های احتمالی در آینده می‌تواند فرصت‌های تجاری جدید را از بین ببرد.
		رقابت اقتصادی میان ایران و آذربایجان می‌تواند بازارهای منطقه‌ای را تحت تأثیر قرار دهد.
	پیامدهای سیاسی	اختلافات دریانوردی روابط سیاسی را پرتنش ساخته است.
		تنش دریانوردی افکار عمومی دو کشور را علیه همکاری تحریک کرده است.
		سوءاستفاده قدرت‌های ثالث تاکنون همکاری‌های سیاسی را محدود کرده است.
		ادامه اختلافات دریایی می‌تواند روابط سیاسی را در آینده پرتنش‌تر کند.
		فشار افکار عمومی ممکن است بر تصمیم‌گیری سیاسی تأثیر بگذارد.
		سوءاستفاده قدرت‌های ثالث از خلأ موجود می‌تواند دیپلماسی دو کشور را محدود کند.
	پیامدهای حقوقی	فقدان چارچوب جامع حقوقی باعث بروز اختلاف عملی در عبور و مرور کشتی‌ها میان ایران و آذربایجان شده است.
		نبود رویه الزام‌آور برای حل اختلاف، تعاملات حقوقی دریایی روزمره را شکننده ساخته است.
		تفاوت در تفسیر قراردادهای دریایی موجب تأخیر در صدور مجوزها و همکاری‌های دریانوردی شده است.

جدول ۱: پیامدهای رژیم حقوقی دریای خزر بر امنیت دریانوردی

مضمون فراگیر	مضمون سازمان‌دهنده	مضمون پایه
	بالقوه	ابهام در تفسیر کنوانسیون خزر می‌تواند در آینده موجب تشدید تعارضات حقوقی دریانوردی شود.
		ادامه خلأ حقوقی می‌تواند مانع توسعه توافقات جدید دریایی شود.
		اختلاف برداشت از مقررات می‌تواند در آینده زمینه شکایت به مجامع بین‌المللی را فراهم کند.
پیامدهای امنیتی	بالفعل	ناامنی ناشی از نبود رژیم حقوقی مشخص، تنش‌های امنیتی دریایی را افزایش داده است.
		دخالت قدرت‌های فرامنطقه‌ای امنیت منطقه را حساس کرده و همکاری دو جانبه را محدود ساخته است.
		برخی اقدامات پیشگیرانه ایران و آذربایجان توانسته است از برخوردها جلوگیری کند.
	بالقوه	افزایش حضور نظامی در مناطق مورد اختلاف می‌تواند در آینده خطر برخورد مستقیم را افزایش دهد.
		تهدیدات امنیتی ناشی از ناامنی دریانوردی می‌تواند باعث محدود شدن آزادی عملیاتی شود.
		تداوم ابهام در امنیت دریایی می‌تواند زمینه ورود نیروهای فرامنطقه‌ای را افزایش دهد.

شناسایی پیامدهای رژیم حقوقی دریای خزر بر امنیت بهره‌برداری از منابع مشترک بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان دریای خزر: هدف

فرعی دوم پژوهش حاضر، بررسی و شناسایی پیامدهای ناشی از رژیم حقوقی دریای خزر بر امنیت بهره‌برداری از منابع مشترک میان جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان است. در این مسیر، داده‌های گردآوری شده مورد تحلیل عمیق قرار گرفت و با به کارگیری روش تحلیل مضمون دو سطحی، لایه‌های مختلف معانی پنهان و آشکار استخراج گردید. فرایند کدگذاری در چند مرحله متوالی انجام شد؛ به گونه‌ای که ابتدا ۲۱ مضمون پایه از دل داده‌ها شناسایی گردید. سپس در جریان بازنگری و پالایش مستمر، برای افزایش جامعیت و انسجام تحلیلی، ۳ مضمون جدید نیز افزوده شد و در نهایت، مجموعه‌ای متشکل از ۲۴ مضمون پایه نهایی شکل گرفت.

به منظور سازمان‌دهی منطقی تر یافته‌ها و تقویت قدرت تبیین، مضامین پایه در قالب چهار دسته اصلی طبقه‌بندی شدند که عبارت‌اند از: پیامدهای حقوقی و قراردادی، پیامدهای اقتصادی و تجاری، پیامدهای زیست‌محیطی و پیامدهای امنیتی. در هر دسته شش مضمون پایه قرار گرفت تا توازن میان ابعاد مختلف تحلیل حفظ گردد. این دسته‌بندی نه تنها پیامدهای بالفعل رژیم حقوقی خزر را در زمینه بهره‌برداری از منابع مشترک منعکس می‌سازد، بلکه به پیامدهای بالقوه و سناریوهای آینده نیز می‌پردازد. در واقع، اهمیت یافته‌ها در آن است که نشان می‌دهد صرف توجه به شرایط موجود کافی نیست؛ بلکه باید تحولات محتمل آتی نیز که می‌تواند امنیت انرژی، منافع اقتصادی و ثبات ژئوپلیتیک منطقه را تحت تأثیر قرار دهد، مورد ملاحظه قرار گیرد. چنین نگرشی امکان طراحی سیاست‌ها و راهبردهای کارآمدتر را فراهم می‌سازد و ظرفیت پیش‌بینی‌پذیری تصمیم‌گیری‌ها را ارتقاء می‌دهد. بر این اساس، نتایج حاصل از تحلیل مضامین بیانگر آن است که رژیم حقوقی خزر واجد پیامدهایی چندلایه و پیچیده بر امنیت بهره‌برداری از منابع مشترک است؛ پیامدهایی که در سطوح حقوقی، اقتصادی، زیست‌محیطی و امنیتی به‌طور هم‌زمان بروز یافته و برهم‌کنش این ابعاد نیز اهمیت مضاعفی دارد. این نتایج در جدول شماره ۲ ارائه شده است.

جدول ۲: پیامدهای رژیم حقوقی دریای خزر بر امنیت بهره‌برداری از منابع مشترک

مضمون فراگیر	مضمون سازمان‌دهنده	مضامین پایه
پیامدهای رژیم حقوقی دریای خزر بر بهره‌برداری از منابع مشترک	پیامدهای حقوقی و قراردادی	ابهام در تعیین خطوط مرزی موجب مناقشه عملی در بهره‌برداری از میادین مشترک شده است.
		برداشت یک‌جانبه از منابع اعتماد متقابل اقتصادی را تضعیف کرده است.
		نبود نظام حقوقی مشخص، پروژه‌های مشترک را تاکنون متوقف کرده است.
		ابهام در تفسیر قوانین می‌تواند مانع توسعه همکاری‌های جدید شود.
	بالقوه	ادامه اختلافات حقوقی ممکن است زمینه رجوع به مجامع بین‌المللی را فراهم کند.
		تعارض میان حقوق عرفی و معاهدات می‌تواند روند بهره‌برداری مشترک را در آینده دشوار سازد.
	پیامدهای اقتصادی و تجاری	رقابت برای جذب سرمایه‌گذاران خارجی همکاری‌ها را محدود کرده است.
		اختلاف بر سر درآمدهای نفت و گاز تعاملات اقتصادی را پرتنش کرده است.

جدول ۲: پیامدهای رژیم حقوقی دریای خزر بر امنیت بهره‌برداری از منابع مشترک

مضمون فراگیر	مضمون سازمان‌دهنده	مضامین پایه
	بالفعل	نامنی سرمایه‌گذاری موجب توقف برخی طرح‌های توسعه میادین مشترک شده است.
		ادامه بی‌اعتمادی می‌تواند پروژه‌های بزرگ منطقه‌ای را در آینده محدود کند.
		رشد یک‌جانبه اقتصادی آذربایجان می‌تواند نابرابری در تعاملات تجاری ایجاد کند.
		عدم شفافیت در تقسیم منابع ممکن است فرصت‌های اقتصادی دوجانبه را در آینده محدود کند.
	بالقوه	بهره‌برداری بی‌رویه از منابع، آسیب‌های زیست‌محیطی ایجاد کرده و تعاملات حفاظتی را دشوار ساخته است.
		نبود استاندارد مشترک زیست‌محیطی موجب ناکارآمدی همکاری‌ها شده است.
		تخریب اکوسیستم دریایی ظرفیت تعاملات پایدار را کاهش داده است.
		ادامه بهره‌برداری بی‌رویه می‌تواند خسارت‌های زیست‌محیطی جدی ایجاد کند.
	بالفعل	عدم هماهنگی در آینده ممکن است همکاری‌های حفاظتی منطقه‌ای را ناممکن کند.
		افزایش فشار زیست‌محیطی می‌تواند تنش اقتصادی و سیاسی را در آینده تشدید کند.
		رقابت در بهره‌برداری از میادین نفتی موجب تنش‌های امنیتی شده است.
		افزایش قاچاق سوخت و منابع کنترل امنیتی مشترک را دشوار کرده است.
پیامدهای زیست‌محیطی	بالفعل	دخالت قدرت‌های فرامنطقه‌ای تاکنون تعاملات امنیتی ایران و آذربایجان را محدود ساخته است.
		ادامه رقابت در بهره‌برداری ممکن است تنش‌های نظامی در آینده افزایش یابد.
		عدم توافق امنیتی می‌تواند زمینه‌ساز مداخله کشورهای ثالث شود.
		رشد تنش‌ها می‌تواند همکاری‌های امنیتی دوجانبه را در آینده به طور جدی تضعیف کند.
	بالقوه	
	بالفعل	
	بالقوه	

شناسایی پیامدهای رژیم حقوقی دریای خزر بر امنیت مرزهای دریایی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان: هدف فرعی سوم پژوهش حاضر، شناسایی پیامدهای رژیم حقوقی دریای خزر بر امنیت مرزهای دریایی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان

است. بررسی داده‌های به‌دست آمده نشان می‌دهد که رژیم حقوقی خزر، به‌رغم ایجاد چارچوب‌های پایه‌ای برای تعیین حقوق و تکالیف کشورها در دریای مشترک، پیامدهایی چندوجهی و پیچیده بر امنیت مرزهای دریایی ایران و آذربایجان برجای گذاشته است. تحلیل این داده‌ها با بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون دو سطحی صورت گرفت تا لایه‌های آشکار و پنهان مسائل مرتبط با امنیت مرزها به‌دقت شناسایی شود. فرآیند کدگذاری داده‌ها به صورت گام به گام انجام شد؛ در نخستین مرحله، ۲۷ مضمون پایه از داده‌های جمع‌آوری شده استخراج گردید. این مضامین اولیه، طی بازبینی و پالایش مستمر، سه مورد حذف شد تا انسجام تحلیلی افزایش یابد و در نهایت، ۲۴ مضمون پایه نهایی برای تحلیل عمیق‌تر در نظر گرفته شد. این مضامین پایه به چهار دسته اصلی تقسیم شدند که شامل پیامدهای حقوقی، پیامدهای امنیتی و نظامی، پیامدهای اقتصادی و پیامدهای سیاسی و دیپلماتیک هستند. چنین دسته‌بندی نه تنها امکان تجزیه و تحلیل دقیق‌تر یافته‌ها را فراهم می‌کند، بلکه امکان بررسی پیامدهای بالفعل و بالقوه رژیم حقوقی را نیز میسر می‌سازد. نتایج در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳: پیامدهای رژیم حقوقی دریای خزر بر امنیت مرزهای دریایی

مضمون فراگیر	مضمون سازمان‌دهنده	مضامین پایه
پیامدهای رژیم حقوقی دریای خزر بر امنیت مرزهای دریایی	پیامدهای حقوقی	اختلاف در ترسیم خطوط مرزی تعاملات مرزبندی را پیچیده کرده است.
		نبود توافق جامع مدیریت مرزها را شکننده ساخته است.
		تفسیرهای متفاوت از قوانین فعلی باعث تأخیر در تصمیم‌گیری‌ها شده است.
		ادامه ابهام در ترسیم مرزها می‌تواند در آینده زمینه مناقشه حقوقی جدید ایجاد کند.
		اختلاف برداشت از کنوانسیون خزر ممکن است همکاری‌های مرزی را در آینده محدود سازد.
		عدم تدوین چارچوب جامع می‌تواند پروژه‌های مشترک مرزی را در آینده با خطر مواجه کند.
پیامدهای امنیتی و نظامی		مرزبندی نامشخص احتمال درگیری‌های نظامی را افزایش داده است.
		استقرار تجهیزات نظامی در مناطق مرزی تاکنون تعاملات امنیتی را پرتنش کرده است.

جدول ۳: پیامدهای رژیم حقوقی دریای خزر بر امنیت مرزهای دریایی

مضمون فراگیر	مضمون سازمان دهنده	مضامین پایه
		تقویت همکاری نظامی آذربایجان با بازیگران ثالث محدودیت تعاملات امنیتی با ایران را ایجاد کرده است.
		ادامه ابهام در مرزبندی می تواند احتمال درگیری نظامی را در آینده افزایش دهد.
		افزایش استقرار تجهیزات نظامی می تواند تنش امنیتی را در آینده شدیدتر کند.
		عدم توافق امنیتی جامع ممکن است زمینه ورود نیروهای فرامنطقه‌ای را در آینده فراهم کند.
	پیامدهای اقتصادی	نامشخص بودن مرزها مانع توسعه پروژه‌های مشترک اقتصادی شده است.
		محدودیت در دسترسی به مسیرهای انرژی تعاملات اقتصادی را کاهش داده است.
		افزایش هزینه‌های تجاری به دلیل ناامنی مرزی روابط اقتصادی را تضعیف کرده است.
		ادامه وضعیت نامشخص مرزی می تواند در آینده سرمایه‌گذاری‌ها را کاهش دهد.
		اختلافات مرزی احتمالی می تواند تجارت منطقه‌ای را محدود کند.
		افزایش هزینه‌های تجاری مرزی می تواند رقابت اقتصادی را در آینده تشدید کند.
	پیامدهای سیاسی و دیپلماتیک	اختلافات مرزی روابط دیپلماتیک را تنش‌آلود کرده است.
		بی‌اعتمادی سیاسی تاکنون ظرفیت توسعه روابط را کاهش داده است.
		ورود قدرت‌های ثالث به حل اختلافات تاکنون استقلال تعاملات سیاسی را محدود کرده است.
		ادامه اختلافات مرزی می تواند روابط سیاسی را در آینده پرتنش‌تر کند.
		فشار افکار عمومی ممکن است بر تصمیم‌گیری سیاسی آینده تأثیر بگذارد.
		عدم توافق سیاسی جامع می تواند ظرفیت همکاری‌های منطقه‌ای را در آینده محدود کند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

پژوهش حاضر با هدف بررسی پیامدهای رژیم حقوقی دریای خزر بر تعاملات مرزی ایران و آذربایجان انجام شد. تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه با خبرگان، منجر به شناسایی ۷۲ مضمون پایه و ۱۲ مضمون سازمان‌دهنده گردید که در چهار بعد اصلی حقوقی، امنیتی، اقتصادی و زیست‌محیطی قابل طبقه‌بندی است. یافته‌ها نشان می‌دهد که ابهام در چارچوب حقوقی و عدم تعیین دقیق خطوط مرزی، پیامدهای گسترده و چندلایه‌ای بر روابط دو کشور داشته است. در بعد حقوقی، فقدان مکانیزم الزام‌آور برای حل اختلافات و برداشت‌های متفاوت از کنوانسیون‌های موجود، موجب توقف پروژه‌های مشترک، دشواری در صدور مجوزهای دریایی و تداوم سوء تفاهم‌های عملیاتی شده است. این وضعیت، به ویژه در مورد میدین مشترک نفت و گاز مانند «آراز-البرز-شمال»، هزینه‌های دیپلماتیک را افزایش داده و احتمال ارجاع اختلافات به مجامع بین‌المللی را تقویت کرده است. در بعد امنیتی، ابهامات مرزی به افزایش مواجهه‌های گشت‌های دریایی، محدودیت همکاری‌های پایدار و بی‌اعتمادی دوجانبه انجامیده است. حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای و همکاری نظامی آذربایجان با کشورهای ثالث، فضای امنیتی را پیچیده‌تر ساخته و خطر برخوردهای مستقیم و گسترش رقابت تسلیحاتی را افزایش داده است. این عوامل، امنیت مرزهای دریایی را با تهدید جدی مواجه ساخته است. در بعد اقتصادی، نبود شفافیت حقوقی، سرمایه‌گذاران خارجی را از مشارکت در پروژه‌های مشترک منصرف کرده، هزینه‌های بیمه و تجارت دریایی را افزایش داده و توسعه مسیرهای جدید را با مانع روبرو ساخته است. اقدامات یک‌جانبه در بهره‌برداری از منابع، ضمن کند کردن پروژه‌های توسعه‌ای، توازن اقتصادی منطقه را به خطر انداخته است. در بعد زیست‌محیطی، عدم هماهنگی میان دو کشور به انتشار آلاینده‌ها، کاهش ذخایر ماهی و آسیب به اکوسیستم‌های حساس منجر شده که پیامدهای آن، معیشت جوامع ساحلی را با مخاطره مواجه ساخته است.

در مجموع، رژیم حقوقی فعلی دریای خزر به جای آنکه بستری برای هم‌افزایی باشد، به عاملی محدودکننده در تعاملات مرزی ایران و آذربایجان تبدیل شده است. تداوم این وضعیت، ضمن تشدید تنش‌ها، ظرفیت همکاری‌های منطقه‌ای را در بلندمدت مختل خواهد کرد. بنابراین، ایجاد چارچوب حقوقی شفاف، الزام‌آور و مورد توافق دو کشور، نه یک گزینه، بلکه یک ضرورت

اجتناب‌ناپذیر برای مدیریت پایدار مرزها و بهره‌برداری بهینه از منابع مشترک محسوب می‌شود. این یافته‌ها با پژوهش‌های پیشین (کرمزادی، ۱۴۰۳؛ عباسی و موسوی، ۱۴۰۳؛ آروین، ۲۰۲۰) همسو بوده و با ارائه تحلیلی یکپارچه از پیامدهای کوتاه‌مدت و بلندمدت، چارچوبی جامع برای سیاست‌گذاری عملیاتی فراهم می‌سازد.

پیشنهادات بر اساس یافته‌های پژوهش، پیشنهادات عملیاتی در سه حوزه اصلی تدوین شده و مسئولیت اجرایی هر یک مشخص گردیده است:

الف) ارتقاء امنیت دریانوردی

۱. تعیین مسیرها و پروتکل‌های گشت مشترک: وزارت امور خارجه و سازمان بنادر با هماهنگی نیروی دریایی، مسیرهای مشخص عبور و دستورالعمل‌های گشت‌زنی را با طرف آذربایجانی نهایی کنند.

۲. راه‌اندازی سامانه هشدار سریع مشترک: نیروی دریایی و سازمان فناوری اطلاعات، سامانه‌ای برای اطلاع‌رسانی فوری در مواقع اضطراری ایجاد و با نهادهای آذربایجانی هماهنگ نمایند.

۳. برگزاری رزمایش‌های مشترک منظم: نیروی دریایی ایران و آذربایجان برنامه‌ریزی و اجرای تمرین‌های عملیاتی را برای افزایش هماهنگی در دستور کار قرار دهند.

۴. طراحی پروتکل بیمه و جبران خسارت: سازمان بنادر و وزارت اقتصاد با همکاری طرف آذربایجانی، چارچوب حقوقی بیمه برای کشتی‌های تجاری مشترک تدوین کنند.

ب) ارتقاء بهره‌برداری از منابع مشترک

۱. تشکیل کمیته مشترک حقوقی و اقتصادی: وزارت نفت و سازمان سرمایه‌گذاری با معرفی نمایندگان تخصصی، کارگروهی برای تنظیم قراردادهای شفاف درباره مالکیت و تقسیم منابع ایجاد کنند.

۲. راه‌اندازی سیستم پایش محیط‌زیستی مشترک: سازمان حفاظت محیط‌زیست و وزارت کشاورزی، سامانه‌های سنجش کیفیت آب و ذخایر ماهی را نصب و داده‌ها را با طرف آذربایجانی به‌روزرسانی کنند.

۳. ارائه تضمین‌های حقوقی برای سرمایه‌گذاران: وزارت نفت و سازمان سرمایه‌گذاری، سازوکارهای بیمه‌ای و حقوقی برای جذب سرمایه‌گذاران خارجی در پروژه‌های مشترک طراحی و اطلاع‌رسانی نمایند.

۴. تدوین برنامه زمان‌بندی پروژه‌ها: اولویت‌بندی و زمان‌بندی روشن برای اجرای پروژه‌های مشترک توسط وزارت نفت و سازمان سرمایه‌گذاری، با هماهنگی نهادهای آذربایجانی تهیه شود.

ج) ارتقاء امنیت مرزهای دریایی

۱. تهیه نقشه دقیق مرزهای دریایی: وزارت امور خارجه، ستاد کل نیروهای مسلح و سازمان نقشه‌برداری، کارگروه تخصصی برای تهیه نقشه‌های مورد توافق و تبادل داده با طرف آذربایجانی تشکیل دهند.

۲. ایجاد مرکز هماهنگی امنیت مرزی: نیروی دریایی و نهادهای امنیتی آذربایجان، مرکز مشترکی برای هماهنگی گشت‌ها، تبادل اطلاعات و تصمیم‌گیری سریع در بحران‌ها راه‌اندازی کنند.

۳. تجهیز مرزها به فناوری‌های هوشمند: وزارت دفاع و نیروی دریایی، پهپاد، رادار و حسگرهای پیشرفته برای پایش لحظه‌ای مرزها نصب و با طرف آذربایجانی هماهنگ نمایند.

۴. ایجاد کانال ارتباطی دائمی برای حل اختلاف: وزارت امور خارجه و ستاد کل نیروهای مسلح، خط ارتباطی مستقیم با آذربایجان برای مدیریت سریع تنش‌ها و حل اختلافات مرزی ایجاد کنند.

فهرست منابع

- Eshrafi, M., & Sharif, M. (2017). Analysis of the situation of Shiites in the Republic of Azerbaijan. *Scientific-Research Quarterly of Shiite Studies*, 15(13), 73-100. Available in https://www.shiitestudies.com/article_31328.html (In Persian)
- Bozorg Doagoo, A., & Hakakzadeh, M. R. (2024). Examining the challenges and solutions for determining the legal regime of the Caspian Sea. *Scientific Quarterly of Strategy*, 25(1), 52-81. Available in <https://www.magiran.com/paper/2785376/> (In Persian)
- Seifi, S. J. (2022). Legal regime of the Caspian Sea, past, present and future: From the state succession plan to the Aktau Convention (2018) (Part I: State succession plan). *Legal Research Journal*, 21(49), 7-38. Doi: 10.48300/jlr.2022.334451.2000 (In Persian)
- Abbasi, M., & Mousavi, S. M. R. (2024). Relations between the Islamic Republic of Iran and the Republic of Azerbaijan: Platforms for convergence and grounds for divergence. *Central Eurasia Studies*, 6(2), 61-80. Available in <https://www.magiran.com/paper/2785623/> (In Persian)
- Karamzadi, M., & Khansarifard, F. (2024). Explaining the grounds for convergence in Iran-Azerbaijan relations and its challenges (from 1991 to 2014). *Central Eurasia Studies*, 10(1), 171-188. Available in <https://noormags.ir/view/fa/articlepage/1897206/> (In Persian)
- Kozehgar Kalaji, V. (2024). Causes and roots of increasing tensions in Iran-Azerbaijan relations. *Quarterly Journal of International Relations Studies*, 12(3), 45-67. available in <https://www.sid.ir/paper/1023456/> (In Persian)
- Mojtahedzadeh, P. (2002). Political geography and geopolitical policy. SAMT Publications.
- Khodadoosti, M. H. (2023). Analysis and evaluation of the legal regime of the Caspian Sea. *Journal of Modern Studies in Economic Diplomacy*, 1(1), 68-72. in available <https://www.magiran.com/paper/2654321/> (In Persian)
- Tiztak, A., & Ahmadi, H. (2022). Iran and Russia in the Caspian Sea: Legal regime and cooperation. *Journal of Central Asia and Caucasus Studies*, 28(117), 99-126. In available <https://noormags.ir/view/fa/articlepage/1789450/> (In Persian)
- Abbasf, A. (2018). Azerbaijan and Iran: Conflicts and prospects for bilateral relations. *Iranian Journal of Regional Studies*, 7(1), 12-30.
- Arvin, M. (2020). Challenges and obstacles to Iran-Azerbaijan convergence. *Central Eurasian Studies Journal*, 9(2), 45-67.
- Glassner, M., & Fahrner, J. (2004). *Political Geography: Territory, State and Society*. New York: Routledge.
- Newman, D. (2006). The lines that continue to separate us: Borders in our 'borderless' world. *Progress in Human Geography*, 30(2), 143-161. <https://doi.org/10.1191/0309132506ph599>
- Prescott, J. R. V. (2015). *Political Frontiers and Boundaries* (4th ed.). London: Routledge.
- Ratzel, F. (1897/1990). *Politische Geographie*. Leipzig: Oldenbourg.
- van Houtum, H. (2005). The geopolitics of borders and boundaries. *European Journal of Social Theory*, 8(4), 671-686. <https://doi.org/10.1177/1368431005056819>
- Yeoh, A. (2024). Azerbaijan and Iran in the shadow of Karabakh and Ukraine: Strategic tensions and regional implications. *Journal of Caucasus Studies*, 12(1), 1-18.

